

نقد
اقتصاد سیاسی

حاکمان و رسانه‌های منتقد: روایت «ایران ما»



نقد اقتصاد سیاسی

مردادماه ۱۳۹۷

از پی اشغال ایران توسط سپاهیان شوروی و بریتانیا در شهریور ۱۳۲۰ و برکناری رضاشاه پهلوی، دوران تازه‌ای در زندگی سیاسی ایران آغاز شد که با افت‌وخیزی تا کودتای مرداد ۱۳۲۸ ادامه یافت. با پایان انسداد سیاسی که در ده سال پایانی حکومت رضاشاه عمق و گسترش روزافزونی یافته بود، احزاب و گروه‌های سیاسی با گرایش‌های چپ و راست به میدان سیاست‌ورزی آمدند. از جمله مهم‌ترین این احزاب، حزب توده ایران بود که در مهرماه ۱۳۲۰ تشکیل شد و حزب ایران که دو سال بعد در ۱۳۲۲ بر پا شد. این حزب‌ها برای نشر آرا و عقایدشان رشته روزنامه‌ها و مجله‌هایی را منتشر می‌کردند که گاه به دلیل انتقادهای تندشان از حکومت برای مدتی توقیف می‌شدند. در این حال، با تکیه به شگردهای قانونی، نشریه‌های دیگری با نامی دیگر جای‌گزين روزنامه یا مجله‌ی توقیف‌شده می‌شد.

درست ۷۳ سال پیش در ۱۳۲۴ و در چنین روزی، پنج‌شنبه ۲۵ مرداد، روزنامه‌ی چپ‌گرای **شهباز**، به صاحب امتیازی رحیم نامور، در صدوچهارمین شماره‌اش، در اعتراض به توقیف مجدد روزنامه‌ی ملی‌گرای **ایران ما**، به صاحب امتیازی جهانگیر تفضلی، صدای اعتراض خویش را در یادداشتی با عنوان «ایران ما» به هیئت حاکمه رساند. در بخش‌هایی از این یادداشت چنین می‌خوانیم (شیوه‌ی نگارش بر اساس رسم‌الخط **نقد اقتصاد سیاسی** است):

«حکومت‌ها [...] فعلاً می‌توانند روزنامه را توقیف کنند اما آیا روح سرکش ملت را هم می‌توان توقیف کرد؟ [...] روزنامه‌ی ما را توقیف می‌کنند به‌عنوان این که از انقلاب جلوگیری می‌نمایند. زهی اشتباه. شما آقایان! شما نمایندگان طبقه‌ی حاکمه! شما محافظین منافع مفت‌خورها! شما پاسبان‌های دزدهای بزرگ و کلاه‌برداران عمده! شما کسانی که ابلهانه خود را فدای زالوهای خون‌آشام می‌کنید! اگر به‌راستی بخواهید اربابان خود را از نتایج انقلاب نجات دهید می‌بایست به شکل دیگری از انقلاب جلوگیری کنید. می‌بایست عوامل بروز انقلاب را از میان ببرید، می‌بایست دزدان اجتماعی را توقیف کنید، می‌بایست دشمنان ملت را بگیرید، می‌بایست کارخانه‌داران و مفت‌خورها را زندانی سازید، می‌بایست مالکین بزرگی که حتی نان جوین را هم به رعایای خود نمی‌بخشایند محدود کنید، می‌بایست دولت‌هایی را که برخلاف آمال و آرزوهای عمومی به روی کار می‌آیند از کار برکنار نمایید، می‌بایست یادگارهای پوسیده و شوم رضاشاه را از میان بردارید و به این شکل نگذارید هر روز بیش‌تر از پیش ملت واقعی و توده‌های ناراضی عصبانی‌تر شوند. شما اگر می‌خواهید از انقلاب جلوگیری کنید باید به دردهای دل مردم برسید، برای بدبختی‌ها و مصائب ایشان فکر کنید و کوشش کنید بار مشقات طاقت‌فرسایی که ایشان را به طرف انقلاب می‌راند سبک نمایید. [...] شما می‌توانستید کاری کنید که مردم بیچاره‌ی ستم‌کشیده عاصی نشوند و طغیان نکنند [...] این فقط نشان می‌دهد که طبقه‌ی حاکمه و محافظین بی‌مغز آن چنان به وحشت افتاده‌اند که مانند کسانی که خود را بر لب پرتگاه نیستی بینند دست‌وپای خود را گم کرده‌اند و حرکات مذبحانه‌ای می‌کنند که جز سرشکستگی و مفتضح‌شدن بیش‌تر ایشان ثمری به بار نخواهد آورد. آینده که با ماست صدق این مدعا را ثابت خواهد کرد. ما پیروز خواهیم بود و شما روسیاه.» برگرفته از: «ایران ما»، **روزنامه‌ی شهباز**، سال سوم، شماره‌ی ۱۰۴، پنج‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۲۴، صفحه‌های ۱ و ۴.

متن کامل این یادداشت را می‌توان در تصاویر و در فایل پیوست مطالعه کرد. **نقد اقتصاد سیاسی**

شعبه

۲۵ مرداد

۱۳۲۴

تک شماره در همه جا دو ریال و نیم

سال سوم

شماره

۱۰۴

بهای اشتراك صد شماره ۴۵۰ ریال

شهباز

دنیا

شادی و مسرت است

با آرزوی رسیده است که ایران هم شادمان باشد؟ تسلیم ژاپون جنگ بیابان رسید، جنگ با بود کشته، جنگ وحشت با شد تمام شد.

سراسر جهان در اروپا بیکه زیر ظلم نازیسم و فاشیسم رها شده، تکلیک که محصول کار و رنج خود پس جهان فرستاده، در آسیای گوشه آن بیک آتش سوخته، رسها که هزارها اجساد سوخته کرده کشتیا را بلیده اند. با اکثون سکون و آرامش میاهو و غوغای جنگ میشود. برای جهان، ملتیا بیکه فرزندان تنگ بدست سوی میدان ها رفت و بعد چشم براه نشسته اند تا روزی را برایشان ارمان یاورند، و رشید ترین افراد خود را در آن محوف قربانی کرده اند، و محرو میتیا و نا ملایمات را دهاند همه اکثون غرق شادی هستند.

با حق دارند که شاد و مسرور آنها این شادی و مسرت را قیمت از خود بدست آورده اند آنها

اجرات ما

نقد و نظر

امپراطور ژاپن در برابر رادبو

رادبو لندن - دیروز هیرو هیتو پس آسمان و خدای ملت ژاپن نخستین بار در برابر رادبو نطق کرد و از دشواریهایی که در این جنگ برای دولت، ملت ژاپن پیش آمده سخن راند و گفت با تمام مدعی که بکار بردیم جنگ برفع ما خانه نیافت و در نتیجه استعمال بمب اتمی ما تاگزیر به تسلیم شدیم

پس از پایان نطق امپراطور سوزوکی نخست وزیر نیز دنباله سخن را بدست گرفت او هم شکست ژاپن را معلول بسبب اتمی دانست.

و اگر آنها نا ملایمات آنرا بر خود هموار ساخته اند تنها فردا ز تیرات پیروزی بر خور دار میشوند بلکه هم امروز از تاج پر برکت و گرا نیهای آن استفاده می برند

روژنامه ایران ما یکبار دیگر از طرف سرهنگ بهار مست فرماندار سابق نظامی در آخرین ساعاتی که بر سرکار بود توفیق گردید و از قرار بیکه میگفتند برای مدت سه ماه هم توفیق شده است چرا؟

برای اینکه میگویند درج خبر و قانع آذربایجان تحریک آمیز بوده و مردم را با انقلاب تحریک میکرده است. شوشبختانه آقای فرماندار نظامی که حکم توفیق روژنامه ما را امضاء کردند خود نیز بدنیال این حکم روانه شدند. این خوشتر نصیبا و خوشخدمتیها هم توانست ایشان را دیر زمانی بر کرسی فرمانداری بشانند فرماندار سابق نظامی خواهد دید که بگوری چشم تمام کسانی که چشم و گوش بسته آلت اجرای منظور های اوبایان خود هستند روژنامه ایران ما خیلی زودتر از سه ماه دیگر منتشر خواهد شد.

حکومتهای نظامی فعلا می توانند روژنامه را توقیف کنند ولی آیا روح

دایه مهربانتر از مادر

بصدا در آمده است

رادبو لندن - بطوریکه از تهران خبر میرسد راجع باوضاع آذربایجان در میان ملت ایران نگرانی و اضطراب خاصی مشاهده میشود

در جلسه ای که نمایندگان مجلس شورای ملی ایران تشکیل دادند اظهار شد عده ای آشوب طلب که قسمتی از آنها اصولا ایرانی نیستند اغتشاش آذربایجان را دامن میزنند. جرایم می نویسند که با این وضع استقلال ایران در خطر است

خوشبختانه آروز ما خیلی دور شدند که قزاقان و قداره بنان که بدنیال یک تراق بزرگتر از خود سینه میزدند میتوانستند آتش افکار ملت را خاموش سازند. امروز نه تنها نظایر فرماندار نظامی سابق که از خود اراده می نداشتند و مجری

نویسنده: ر. م. م.

بایان

جنگ ژاپون

بالاخره جنگ ژاپون که دنیا از جمعه گذشته انتظار بایان آن را داشته به بایان رسید و امپراطور ژاپون رضایت داد که تمام شرایط متفقین بپذیرد و در نتیجه امپراطوری مستعمر و بزرگ ژاپون که از تبه دوم قاره نوزدهم تشکیل شده بود از بین رفت برای ژاپون جز جزایر اصلی که جزیره هوکایدو - هونشو - شیکو کیوشو باشد چیز دیگری باقی نماند شاید در این ساعت که مشغول نوشتن این سطور هستم نیروی امریکا در است که وارد بندر توکیو و سایر بنای نظامی ژاپون شده و مواضع ساختار خود را اشغال نماید

با از دست رفتن امپراتوری ژاپون بطوری که اطلاع دارید در طرف بیکر و چین و بریتانیا و منچو کوو کره و گوانتو و فور مرز و مالاکا هندو چین انگلیس فرانسه و هند هلند آزاد گردیدند و نیروی دریایی ژاپون بطوری که مادر طی سه پانزده مقاله از سال گذشته تا امروز پیش بینی کردیم باید بدون جنگ کردن و با کمال جنگ تسلیم متفقین

روژنامه‌ی شهباز، شماره‌ی ۱۰۴، ۲۵ مرداد ۱۳۲۴، صفحه‌ی اول



دیروز توقیف شد

پایان جنگ ژاپن

بقیہ از صفحہ ۱

نہ تسلیم ارتش ژاپون و نہ تسلیم بیروی هوایی آن کشور تک تسلیم بیروی دریائی را ندارد برای این که ژاپون در درج اول یک کشور دریائی بود و بیروی دریائی ژاپون در درج اول وظیفہ داشت کہ از ژاپون دفاع نماید و عظمت ژاپون پیش از این کہ بر شالوده ارتش و بیروی هوایی استوار باشد بر شالوده بیروی دریائی استوار بود و ہیبت جت اسرآن بیروی دریائی ژاپون بر خود می بایدند کہ این مسأله مستقیم کہ حافظ و نگاهبان امپراتوری ژاپون میباشیم و بنا بر این عدم انتقادات و احترامات همواره باید نصیب ما شود ولی این بیروی دریائی با بی غریبی در همه جا از مقابل بیروی دریائی آمریکا فرار کرد و روزی کہ آمریکا در مجمع الجزایر معروف فیلیپین (در سال گذشته) پیاده شد و بیروی دریائی ژاپون نتوانست کہ از ورود آمریکائی ها به آن جزایر ممانعت نماید ماردین ستون نوینیم کہ ژاپون معوضه بیروی دریائی بالاخره نظیر بیروی دریائی مصر و یابان امپراطور ژاپان بدون جنگ کردن تسلیم خواهند گردید و اینک آنچه گفتیم صورت حقیقت بخود گرفت

شاید بیروی دریائی ژاپن نظیر بیروی دریائی فیلیپین در حدود ۱۰۰ سال پیش که خود را برای آن کشور بدیده با نه و آری با بطیب خاطر حاضرند کہ هندوچین فرانسه را به آن کشور برگرداند با غیر

اگر در این مورد دول متفق حسن نیت و حسن عمل از خود بروز نماندند و اراضی متعلق بدیگران را تحت اختیار آنها نگذاشتند در آن صورت نام نیک خود را که دار نوده اند دنیا خواهد فهمید کہ متفقین از خود و دعوی میکردند برای آزادی بیکار نینمودند بلکه منظور تصرف اراضی دیگران را نینداشته اند ولی اگر هند و چین فرانسه را به فرانسه و هند هند را بدولت هلند و آنگار نیند در آن صورت نه فقط ملل فرانسه و هلند بلکه تمام ملل جهان با نظر احترام بدول امریکا و انگلستان خواهند نگرست

برای رفع شبهه تذکر میدهم کہ ما طرفدار وقت ملل مستعمراتی نیستیم بلکه عقیده داریم کہ تمام ملل اعم از سفید پوست و سیاه پوست و خرمائی رنگ باید آزاد باشند و ملل هند و هند و چین فرانسه نیز باید از آزادی برخوردار شوند ولی نه این کہ بنام آزادی یک ملت بیرونند و دیگری بیاید و هند و هند و چین فرانسه را از دست هلند و فرانسه گرفته و خود اختصاص دهد کہ این کار بکنج کلاه برداری میباشد در صورتی کہ او کادری این اراضی بلل هند و فرانسه شان میدهد کہ ملل بزرگ و متفق عدالت پرور هستند و قصد جهانگیری ندارند

بهر جهت اکنون کہ دومین جنگ بین المللی بیابان رسیه باید بگوئیم کہ اگر نوع بشر تواند کہ برای حفظ صلح شالوده استواری بیروز دریا صورت تمام خون هائی کہ در این جنگ ریخته شد هدورند است و بیروزی حقیقی نوع انسان آن است کہ بتواند مطلقاً جنگ را از بین برد و بیجوجه خون ریزی را وسیله حل اختلافات قرار ندهد

ایران ما

بقیہ از صفحہ ۱

ازادہ دیگران بودند بلکه اربابا بازرگان و صاحب اختیاران ایشان ه قادر نخواهند بود کہ مقابل میل انکا آزادبخواهانه ملت را در این قرن عبیر بگردند

روزنامه ما را توقیف میکنند بنوار اینکہ از اقلار جلوگیری مینمایند زهی اشتباه

حاکم شاهما حفظین منافع مفتخروها شایباسبانهای دزدهای بزرگ کلاهدر اربابا عده اشما کسانیکہ ابلهان خود را فدا زالی های خون آشام میکنند اگر راستی بخواهد اربابان خود را از نتایج اقلار نجات میدهد می بایست بشکل دیگری از انقلاب جلوگیری کنید

می بایست عوامل بروز انقلاب را از میان برید، میبایست دزدان اجتماعی را توقیف کنید، می بایست دشمنان ملت را بگریزید، می بایست کارخانه داران و مفتخور ها را زندانی سازید، میبایست مالکین بزرگی کہ حتی نان جوین را هم رعایای خود نپسندیدند معصوم کنید، می بایست دولت هائی را کہ بر خلاف آمل و آرزوهای عمومی بروی کار می آید از کار برکنار نماید، می بایست یادگارهای بوسید و شوم رضا شاه را از میان بردارید و باین شکل نگذارید هر روز بیشتر از پیش ملت واقعی و توده های ناراضی عصبانی تر شوند

شما اگر میخواهید از انقلاب جلوگیری کنید باید بدهی دولتی مردم برسد، ارباب بدبختی و مصاب ایشان فکر بکنند و کوشش کنید بار مشقات طاقت فرسانی کہ ایشان را بطرف انقلاب می راند سبک نیناید

از اینکہ روزنامه ایران ما و سایر روزنامه دیگری کہ خیر قلمی را منتشر کند توقیف کنید در عهه علاج نینمود و از ایشان فکر بکنید تفاهد شد

شما می توانستید برای تأدیر علقانہ از او قلم تبریز جلوگیری کنید کہ چندین نفر از افراد ما در آنجا کشته شدند، شما می توانستید حوادث مرو و دخت نارس را مانع شوید و نگذارید بکنده ماجرا جو بان مردم بلاذقار تهدید کنند

شما می توانستید کاری کنید کہ مردم آهیتی که دارید مراجع سفارت شوری خیلی آسانتر خواهد بود تا مراجع خبر نکنند اما جلوگیری از انتشار آئینده روزنامه بنسایت درج خبری دوسه روز گذشته فرا رسیدن آئینہ را کہ شما از آن می ترسید مانع نخواهد شد و شما را نجات نخواهد داد

ایست فقط نشان میدهد کہ طبقه حاکم و محافظین بی غیر آن چنان بوخت افتاده اند کہ مانند کسانیکہ خود را بر لب برتگانه نیتی به بیمنت دست و پای خود را گم کرده اند در صورت مدبوخه ای میکنند کہ جز مرگ و شکست و مفتضح شدن بیشتر ایشان تیری یار نخواهد آورد

آئینہ کہ با ماست صدق این معارف را ثابت خواهد کرد ما بیروز خواهیم بود و شما رسیه

نطق شاه بمناسبت روز پیروزی

رادیو تهران ساعت ۱۹ - خوشبختانه با تسلیم ژاپن جنگ عالم پایان رسید و اینک با نوبت صلح باید فرق شادی و مسرت باشیم

همه میدانند در این جنگ چه صدمات و خسارت بر ما وارد شده و جبران آن لازمست حال کہ بهدفع اصلی خود کہ بر قراری صلح و آسایش ملل بخصوص متفقین بکنجگاه تبریک میگویم

ملت ایران سکه در تمام این دشواریا شریک بوده سعادت آرزوهای است در عین حال با توجه بنیابت الهی داشت سکه با صبر عنایت تا حال میتوانیم از نتایج صلح بهره مند شویم

باید در اجرای تصمیماتی سکه برای حفظ حقوق ملل در کنفرانس سافرانسیسکو اتخاذ شده کوتاهی ننماییم

کشور ما تا بحال دچار مشکلات جنگ بود و از اینب به بعد لازم در بر تو سوسی و کوشش طرح زندگی جدیدی را بریزیم و همانطور کہ گفته ام با اعتماد بنس استقلال و حاکمیت خود را معوقل بداریم این کشور حاصل نیشود مگر عدالت اجتماعی مستقر شده و بایه های آسایش مستحکم مگر سخاوت نایح هر وقت در کشور ما مشکلات رخ داده بودند و این مشکلات نتیجه فداکاری بازان ایران بظلمت خود رسیده است حال هم موقع تجدید اعتماد تاریخی است

سعادت و خوشبختی همگی را از خداوند متعال مستلث منبایم

حضور جناب آقای خالصی زاده

بقیہ از صفحہ ۱

این بود خلاصه ای از اطلاعات من کہ برای بیان حقایق نوشتم

در پایان این قسمت شماره ترم فرموده اید کہ کتکسر لو بخواند و با ما موافقت شوری اگر دستری داشته باشد برساند

برای توضیح این موضوع هم باید بنویسم کہ من با مقامات شوری ارتباط ندارم و اکنون سالیات کہ از کار سیاست برکنارم و اوقات خود را بخوانم روزنامه هایم گذرانم و از روزگار گذشته یاد میکنم

اولین بار و تنها باری کہ من به سفارت شوری رفته بطوریکہ آنرا در جنابالی برای شرکت در مجلس دنگر لنین رفتم و من شرافت خود را گواهی میدادم کہ از آنروز تا حال ۲۲ سال میگذرد بکنج سفارت شوری راندم و راهنا نیتی شام مرا با افکار خود روپا آشنا کرد و من امروز اگر کما بیش آنها ارتباطی دارم همان ارتباط روحی و معنوی است کہ از راه مطالعه کتابها و روزنامه هاییکه شرح زندگی و تمدن آنها را مینویسند فراهم میشود و لاغیر

امروز هم باز گمان میکنم کہ برای جنابالی و گمشدگان جنابالی بنسایت آهیتی که دارید مراجع سفارت شوری خیلی آسانتر خواهد بود تا مراجع خبر نکنند

در پایان مقاله خود شرحی راجع به احزاب توده و اراده ملی مردم فرموده اید و از حزب توده تبعیح کرده و اراده ملی راستوید اید و رجحان آنرا از این جهت قرار داده اید کہ در برامه آن مواد مذهبی که مورد نظر جنابالی است گذاشته شده است

در این موضوع هم من وظیفه دفاع از کسی را بمعده نیکییم و با حبر توده هم بیگنی ندارم ولی بیکار دیگر آئینہ را کہ در مقدمه مقاله نوشتم باید آوری میکنم کہ بودن مواد مذهبی در برنامه احزاب سیاسی ممکن است خدای ناگردد نیا همان شته منحوس و رضاخان باشد

خدا کند کہ چنین باشد

اما بایه حسرت نظری کہ شما نسبت به حزب ارادہ ملی و برنامه آن دارید باید متأسف بود کہ حتی سران این حزب هم با برنامه خود کہ بپول نویسنده انگلیسی دیلی میل «ایه آلی» است عقایدی را کہ جنابالی بنوان عقاید بدینی

مارگسیسیم

شماره ۱۰۴ - ۲۵ مرداد ۱۳۲۴ (صفحه چهار)

۱۶۶ - ۳۲

التفاصيل

بقلم

فريدون تولی

مترشد

محل فروش بنگاه آذر پخش

شریات توده

شماره ۴۰ - خیابان